

تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر احساس امنیت زنان مطالعه موردی: زنان ساکن در مناطق (۱ و ۲) تهران و مناطق (۱۹ و ۲۰) جنوب تهران

دکتر محسن نیازی^۱

۹۰/۶/۳۱

تاریخ دریافت:

دکتر مهران سهراب زاده^۲

۹۰/۸/۲۸

تاریخ پذیرش:

یاسمن فرشادفر^۳

چکیده

در این پژوهش، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر احساس امنیت زنان در مناطق جنوب و شمال تهران مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه به دنبال تبیین نقش مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی موثر بر احساس امنیت زنان در مناطق یاد شده و مقایسه این مناطق با یکدیگر می‌باشد. روش تحقیق مورد نظر پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان واقع در سنین فعالیت (گروه‌های سنی ۱۵ تا ۶۴) مناطق ۱ و ۲ (شمال) و ۱۹ و ۲۰ (جنوب) تهران می‌باشد. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران حجم نمونه در مناطق شمال تهران ۵۳۲ و در مناطق جنوب تهران ۵۳۰ نفر مشخص و به شیوه تصادفی در بلوک‌های تعیین شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه توأم با مصاحبه بوده و برای آزمون روایی و اعتبار ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون کرونباخ ($\alpha=0/84$) اعتبار و روایی پرسشنامه تأیید گردیده است. همچنین، روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. در تحلیل رابطه متغیرهای تحقیق و مقایسه روابط بین متغیرها در مناطق شمال و جنوب تهران از آزمون‌های همبستگی پیرسون و آزمون t و همچنین تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌های پژوهش رابطه معنادار بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی (مهارت‌های زندگی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) با مقوله احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق (شمال و جنوب تهران) را نشان داده است. نتایج آزمون t تفاوت معنی‌دار بین احساس امنیت در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران را در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان داده است.

واژه‌های کلیدی: پلیس، ماموریت کاری، سابقه کار، حوزه کاری، خانواده، سازگاری

۱- دانشجویار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) MF102002@Yahoo.com

۳- دانشجویار ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی رودهن SID.ir

بیان مسأله

از جمله مسایل بسیار مهمی که از دیرباز تا کنون در اشکال مختلف مطرح بوده و ابعاد و موضوعات مربوط به آن در گذر زمان، تنوع بسیار یافته است، مقوله امنیت است.

امروزه تهدیدات امنیتی بر اساس میزان شدت، قدرت و آسیب پذیری نسبت به تمامیت و هویت ارزشی نظام تعریف و طبقه بندی می شود. از این منظر، باید به تهدیدهای امنیتی نگاهی دوباره نموده و عواملی که موجب افزایش ناامنی در فضای جامعه می شود را تبیین نمود. جامعه امروز ما با تهدیدها و فرصتهایی چند مواجه است که آثار زیان بار آن متوجه اقشار جامعه به خصوص زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، می باشد. از سوی دیگر، امروزه آسیب ها و نابسامانی های اجتماعی جلوه های جزئی و فرعی تهدیدها و آسیب های امنیتی اند که در بالاترین حد خود سلامت اخلاقی و نظم و امنیت عمومی و ملی جامعه را خدشه دار می کنند. در این راستا، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی که موجب تولید این آسیب پذیری ها هستند در جامعه نمود پیدا می کند، در این میان عامل جنسیت در پذیرش این آسیب پذیری ها نقش برجسته ای دارد.

منابع تأمین کننده احساس امنیت برای افراد مختلف جامعه متفاوت است (قربان حسینی، ۱۳۷۷، ۲۳). این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار است (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۵). در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده متغیرهایی است که در سطح کلان، احساس امنیت را در افراد جامعه شکل می دهد. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش های بین گروه ها و جناح های مختلف، کارکرد نیروهای انتظامی، ارتش، قوه قضائیه، نظام پولی، نظام مندی شغلی، تعاملات جناح های سیاسی، بهره وری اقتصادی و ... متغیرهایی هستند که سطح میانی احساس امنیت در افراد جامعه را شکل می دهند. از سویی دیگر، روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه های مستقیم و غیر مستقیم روزانه افراد از پدیده های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخورداری های اقتصادی - اجتماعی افراد، سطح خرد احساس امنیت را شکل می دهند.

احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می یابد (لرنی، ۱۳۸۳: ۲۸). تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی،

همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی و یا کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد. در برخی موارد، ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه و شاخص‌های لازم، امنیت بالایی را در جامعه نشان می‌دهند، اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران، آنان را در محصوره روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد (کرامتی، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

پدیده احساس امنیت در اندیشه و تفکر افراد جامعه متفاوت است و عامل جنسیت نیز از این مفهوم برداشت مختلفی را دارد. مفهوم احساس امنیت، ضمن تفاوت در زنان و مردان، عامل محیطی نیز در برداشت این مفهوم در زنان اثربخش است. نظر به اینکه زنان نسبت به مردان در مقابله با پدیده‌های اجتماعی و آسیب‌های امنیتی و هر گونه کج رفتاری در فضا و محیط جامعه زمینه آسیب‌پذیری بیشتری دارند، همچنین در مقابله با عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی به مقوله احساس امنیت واکنش متفاوت را نشان می‌دهند (لرنی، ۱۳۸۳، ۱۷).

اهمیت و ضرورت تحقیق

حساسیت‌های مربوط به مفهوم امنیت حجم قابل توجهی از پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف را به خود اختصاص داده است. بررسی مؤلفه‌ها و ملاحظات امنیتی یکی از سیاست‌ها و برنامه‌های حیاتی هر کشور محسوب می‌گردد. از این رو اهمیت مفهوم امنیت و درک صحیح آن به منظور تدوین سیاست‌های امنیتی، می‌تواند در ثبات یک جامعه و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه تأثیر مطلوبی بگذارد (تاجیک، ۱۳۷۷: ۴۶). در واقع، امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و هر کشوری اولویت اول ساختار حکومتی خود را به برقراری امنیت در جامعه خود اختصاص می‌دهد.

نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای مختلفی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبان‌گیر زنان جامعه (که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) می‌باشد. در واقع، با گسترش جوامع، پدیده‌هایی اعم از افزایش «تورم» و «هزینه‌های بالای زندگی»، «فقر»، «گرانی مسکن» و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان، زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم نمود (ماندل، ۱۳۷۷: ۲۲) و این امر موجب احساس ناامنی و فقدان مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد.

با توجه به موارد فوق، در این تحقیق احساس امنیت زنان با تأکید بر عوامل فرهنگی و اجتماعی در مناطق شمال و جنوب شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. در این ارتباط،

هدف اساسی این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان و جامعه آماری مورد مطالعه می باشد. در واقع، شناسایی رابطه هر یک از عوامل و متغیرهای هویت اجتماعی، ملی، سرمایه فرهنگی، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی، مهارت های زندگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با میزان احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق جنوب و شمال شهر تهران اهداف اصلی این مطالعه را تشکیل می دهند.

مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم امنیت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و تعاریف اصلی صاحب-نظران از امنیت اجتماعی و نیز سنخ شناسی امنیت اجتماعی ارائه گردیده است. در بخش دوم، پیشینه پژوهشهای مربوط به موضوع تحقیق ارائه و مورد بحث قرار گرفته است. نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در عرصه امنیت را شاید بتوان در گفتمانهای فلاسفه‌ای چون «افلاطون» و «ارسطو» یافت. این اندیشمندان بر ایجاد و حفظ امنیت به مثابه یکی از اهداف و وظایف حکومت اصرار میورزیدند. ارسطو به طور تلویحی و افلاطون با تاکید بر «عدالت»، آن را به عنوان بنیادترین وسیله و ابزار حکومتی جهت نیل به امنیت معرفی کرده‌اند. چند قرن بعد، نظریه پردازان عصر روشنگری، از جمله: هابز، لاک، روسو، و منتسکیو در گفتمانهای فلسفی - سیاسی خود به مفهوم امنیت، منزلتی رفیع تر بخشیدند. به نظر هابز (۱۹۷۲)، مردم به ایجاد و تأسیس حکومت از آن رو علاقه‌مند شدند که آنها را در مقابل تجاوز خارجی‌ان و صدمه یکی بر دیگری مصون و محفوظ می‌نماید. تاریخ اندیشه‌ها و تفکرات فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی نیز نشان می‌دهد که توجه به امنیت و قانون برای تحقق عدالت اجتماعی از محورهای اساسی اندیشه‌های اجتماعی آنان به شمار می‌رود.

افلاطون (۴۲۸ قبل از میلاد) در آثار متعدد خود به ویژه در کتاب «سیاست» معروف به جمهوری و کتاب «نومیس» معروف به قوانین خواهان جامعه‌های آرمانی (مدینه فاضله) است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. او معتقد بود که نباید گذاشت هم در فرد و هم در جامعه یکی از قوا بر دیگری پیشی گیرد. زیرا هم در فرد و هم در جامعه تزلزل و انحطاط به میان خواهد آمد و امنیت ناپدید خواهد شد. لذا برای تأمین امنیت اجتماعی و رفاه باید به سلاح علم و حکومت مجهز شد. ارسطو (۳۴۸ قبل از میلاد) خواستار نظم، آرامش، امنیت و وضع قوانین معتدل در جامعه بود. وی معتقد بود که سوداگری، پول پرستی و افراط

در ثروتمندی، فرزندان ناشایست برجای می‌نهند و زمینه اصلاح، بازسازی و امنیت را از بین می‌برند.

در دهه های اخیر، مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفهوم امنیت در دوره های قبل تفاوت های اساسی دارد. بدین معنی که امنیت چندجانبه، تجزیه ناپذیر و یکسان در حال شکل گیری است. به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری شده است. در تحصیل این امنیت مجموعه ای از افراد، گروه ها و سازمان های فراملی و فرو ملی و دولت ها نقش ایفا می نمایند. با تأکید بر این نکته که ابعاد نظامی، سرزمینی، اقتصادی و تجاری امنیت همچنان معتبر است، ولی در دهه های آینده بعد ارتباطی، اجتماعی و فرهنگ امنیت نقش بیشتری در برقراری امنیت ملی و در نهایت امنیت بین المللی ایفا می کند (بصری، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

به طور کلی آنچه موجب رضایت خاطر و خشنودی و یا احساس امنیت می شود، تأمین حقوق و آزادی های مشروع افراد جامعه است. به عبارت دیگر، ناامنی در جایی است که حقوق و آزادی های مردم مورد تهدید قرار گرفته و به مخاطره افتاده است. همچنین، اگر حکومتی بخواهد به امنیت جامعه خویش فکر کند، نمی تواند خارج از حوزه فرهنگی و رفتاری - روانی ملت خودش، رفتار کند. عضو سوم در این رابطه و مهم ترین عامل احساس امنیت در میان مردم یک جامعه، عامل روانی است. یعنی چنانچه حکومتی، مسئولیت مدیریت و سعادت و خوشبختی مردم را به عهده بگیرد، باید به لحاظ روانی؛ بیشتر عمل کند. یعنی به صورت غیرمستقیم، یک فضای آرام فکری و فرهنگی برای آن ها به وجود بیاورد. احساس امنیت یا امنیت روانی را هنگامی می توان مورد اشاره قرار داد که فرد یا جامعه ای از احساس «کفایت» «اعتماد» و «آرامش» برخوردار باشد و از احساس «دلهره»، «اضطراب»^۱ و «ترس»^۲ رها شود. آنچه که این وضعیت را به وجود می آورد، توقع و انتظار فرد در برآورده شدن و به کمال رساندن نیازهای فعلی و آینده خود می باشد و نیز آنچه این وضعیت را ایجاد می کند قابل پیش بینی کردن نیازها و راه برآورده شدن آن ها و نیز معین کردن تهدیدها و شیوه کنترل و نظارت آن هاست (کرامتی، ۱۳۸۵۲۲:).

پیامدها و تبعات وجود یا گسترش احساس ناامنی در جامعه را میتوان در موارد ایجاد حالت انفعال در مردم، از میان رفتن خلاقیت ها، بروز بی تفاوتی و رفتارهای مبتنی بر بی اعتمادی

1- Anxiety

2- Fear

به قدرت مرکزی و خدشه دار شدن امنیت اجتماعی و مانند آن‌ها برشمرد. احساس امنیت از یک سو یک مقوله‌های ذهنی است و به شخصیت افراد و برداشت مختلف آن‌ها از پدیده‌های محیطی مرتبط می‌شود، لذا همچون پدیده روان شناختی عمل می‌کند. از سوی دیگر، احساس امنیت تابع پدیده‌های عینی است و محصول و برآیند امنیت در مال، جان، فکر و عاطفه است. لذا، میتوان گفت امنیت توانایی انسجام نمادی و تخصصی جامعه برای مقابله با تهدیدات درونی و بیرونی است (امانت، ۱۳۸۶: ۱۵).

تعریف امنیت

مفهوم امنیت به لحاظ پیچیدگی مفهومی جدال برانگیز است. امنیت به لحاظ مفهومی، نماد ابهام آمیزی است که ممکن نیست دارای معنایی دقیق باشد (ولفرز، ۱۹۶۲: ۴۶). از نظر لغوی امنیت به معنی بیخوفی، امن، ایمنی، ایمن شدن و در امان بودن آمده است (دهخدا، ۲۸۹۴ و معین، ۱۳۵۴). همچنین، امنیت به مفهوم آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۵۹: ۲۷۵) در فرهنگ آکسفورد، امنیت اجتماعی به معنای ارتباط امنیت با جامعه، نوعی امنیتی که شکل و ساخت اجتماعی یافته است، تعریف شده است (آکسفورد، ۲۰۰۰: ۱۲۲۷).

در دیدگاه صاحب نظران امنیت از یک سو وسیله و از سوی دیگر هدف تلقی می‌شود (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۶). امنیت از یک سو به دنبال کسب یک مفهوم استقلالی مستقل و از سوی دیگر در ذیل مفاهیمی چون قدرت، جنگ و صلح، به عنوان مباحث مورد توجه علوم سیاست، علوم استراتژیک و مطالعات بین‌المللی تعریف شده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳). برخی صاحب‌نظران در تعریف امنیت به مفهوم رهایی از تهدیدها و مقابله با آن تأکید داشته‌اند. جان مورز معتقد است امنیت به معنی رهایی نسبی از تهدیدهای زیان بخش است (ربیع، ۱۳۸۳: ۱۳). از دیدگاه هافمن، امنیت، پشتیبانی و حمایت یک ملت از حمله دیگران و مصون داشتن فعالیت‌های اقتصادی مردم از جریان‌های ویرانگر بیرونی است (هافمن، ۱۹۸۱). ولفرز بیان می‌کند امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده است. در واقع، حفظ ارزش‌ها معادل برقراری امنیت است. در این تعریف، تحقق و برقراری امنیت در پرتو حفظ ارزش‌ها متصور می‌باشد (لرنی، ۱۳۸۲: ۲۹). «کارل دلبودویخ» در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید: منظور از امنیت اجتماعی گروه هم‌بسته‌ای از مردم در یک سرزمین در امتداد زمانی است که دارای یک احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده است. آداب و

رسوم آن فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در یک زمان طولانی بیمه می کند و تغییرات آرام، توأم با انتظارات قابل پیش بینی را در میان مردمش تجربه می کند.

همچنین، برخی دیگر، در تعریف امنیت بر مفاهیمی چون توسعه، رفاه، عدالت و صلح پایدار اشاره نموده اند. «واندروگرلی» در تعریف کاربرد خویشتن امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می گیرد (آندرا، ۱۹۹۸: ۲۵۳). از دیدگاه لارونی مارتین، امنیت عبارت از تضمین رفاه آتی است (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۰). «کگر» (۱۹۹۹) معتقد است امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برچسب امنیت انسانی زده می شود، دربر می گیرد. وی علاوه بر مؤلفه های اخیر، مؤلفه های دیگری نظیر: عدالت در سطح ملی، ریشه کن کردن فقر، آزادی نسل های آتی برای به ارث بردن یک محیط سالم را مطرح می سازد. از دیدگاه بوث^۱ مفهوم امنیت مبتنی بر تحقق انواع عدالت اجتماعی بوده و این امر برای نیل به صلحی پایدار کاملاً ضروری است (بوث، ۱۹۹۱: ۳۲۴).

علاوه بر آن، نزد برخی از اندیشمندان اجتماعی، امنیت اجتماعی با مفاهیمی چون هویت اجتماعی و ملی پیوند دارد. از دیدگاه مک سونینی امنیت اجتماعی آن است که چگونه جوامع منافع و هویتشان را خلق و باز تولید می کنند. هایزمن و ویور معتقدند امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت اجتماعی و فرهنگی متمرکز است (ایوب، ۱۹۹۱: ۱۲۷؛ ویور، ۱۹۹۵). هانتینگتون و نلسون (۱۹۷۶) معتقدند یک جامعه برای دوام ویژگی های اساسی اش در فرایند تغییرات محیطی و در برابر تهدیدات واقعی یا احتمالی است. به طور خاص امنیت اجتماعی، توانایی محافظت و شرایط قابل پذیرش برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوندهای اجتماعی، هویت ملی، مذهبی و رسوم اجتماعی است.

از نظر آنان، چنانچه جامعه ای هویتش را از دست بدهد، آن جامعه نخواهد توانست به عنوان یک جامعه، بقای خود را تضمین نماید. با توجه به موارد فوق می توان سه رویکرد اساسی در تعاریف اندیشمندان اجتماعی از مفهوم امنیت اجتماعی را برشمرد. در رویکرد اول، امنیت به مفهوم رهایی از انواع تهدیدات بر جامعه تلقی گردیده است. در رویکرد دوم، امنیت به منزله حفظ هویت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و ملی نگریسته شده است و در رویکرد سوم،

امنیت با مفاهیمی چون رفاه، توسعه، عدالت و صلح پایدار تعریف گردیده است. در مجموع با توجه به مباحث فوق می توان گفت امنیت اجتماعی توانایی حفظ و استمرار یکپارچگی اجتماع جامعه در یک قلمرو و سرزمین معین، جهت اعتلا و بسط الگوهای هویت، مشارکت، قدرت و توسعه نظام های اجتماعی در فرآیند تغییرات محیطی با پشتوانه کشش های متقابل اندیشه ای، عاطفی، اقتداری و مبادله ای با ماهیت عقلانیت است.

سنخ شناسی امنیت اجتماعی

احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع کننده و آرامش بخش) شهروندان، نسبت به عدم تأثیر گذاری حضوری و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی در حوزه های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمینی است (حاجیانی، ۱۳۸۴: ۲۸). از سوی دیگر، امنیت دارای دو بعد ذهنی و عینی است. در بعد عینی امنیت به معنی فقدان تهدید برای ارزش های کسب شده است و در بعد ذهنی بر عدم هراس از اینکه آن ارزشها مورد حمله قرار بگیرند، می باشد (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۶).

امنیت اجتماعی و احساس امنیت نخستین بار و به صورت منسجم توسط باری بوزان مطرح شد. به عقیده بوزان امنیت بشری به پنج دسته امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی تقسیم می شود (خوش فر، ۱۳۸۲: ۷۴).

برخی از نظریه پردازان مسائل امنیتی، معتقدند که واقعیت «احساس ناامنی» ساختاری است که به خشونت های شهری و دامنه، شکل و نوع «بزهکاری» که بافت و پیکره اجتماع را متزلزل می کند، بستگی دارد. «آلکایز» (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی بر روی تهدیدات خشونت های داخلی، بحران های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است. جاب^۱ در بحث مرجع امنیت، چهار رویکرد عمده در این زمینه شامل امنیت تک تک شهروندان، امنیت ملت، امنیت رژیم و امنیت دولت مشخص را نموده است (۱۵:۲۰۰۱). دغدغه اصلی هر جامعه، ایجاد امنیت برای شهروندان است. چرا که بستر توسعه متوازن، جز با وجود این اکسیر فراهم نمی گردد. ازدیدگاه تالکوت پارسونز، جامعه یک کل واحد است و نظام اجتماعی مجموعه ای از خرده نظامها است. این خرده نظامها عبارتند از:

اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق یا مذهب. حالت عادی یا وضعیت تعادل هنگامی است که کارکرد هر یک از این اجزا به اندازه لازم و مفید باشد. هنگامی که یکی از خرده نظام‌ها رشد نامتناسب داشته باشد یا نهادهای اجتماعی در وظایف یکدیگر مداخله کنند، تعادل برهم می‌خورد. اگر عدم تعادل در جامعه، از حدی فراتر رود، نظام اجتماعی دوام نیافته، دست خوش بحران می‌شود و ناامنی به وجود می‌آید. از این منظر، «امنیت» دواير محدودی چون اقتصاد، فرهنگ، سیاست یا خانواده را شامل نمی‌شود، بلکه تمام جنبه‌ها و شئون حیات اجتماعی را دربر می‌گیرد. امنیت و ناامنی را نه در چارچوب یک خرده نظام، بلکه در نحوه ارتباط و تعامل و تعادل کلیه بخش‌ها و خرده نظام‌ها، باید جست و جو کرد. امنیت، مفهومی عام و گسترده است که خرده نظام‌های جامعه به آن معنی می‌دهد؛ همچون: امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی، امنیت قضایی و... «امنیت» در کنار این مفاهیم است که معنی پیدا می‌کند. برهم خوردن تعادل خرده نظام‌ها، در سه نوع جامعه، سه نوع ناامنی را پدید می‌آورد (باقی، ۱۳۷۶: ۲۹).

• ناامنی قدرگرایانه

در جامعه بسته، نهاد سیاست و قدرت بر سایر نهادها سلطه دارد. در چنین جامعه‌ای، فرد همچون عضوی از بدن جامعه و قطعه‌ای از ماشین اجتماع به شمار می‌آید و فردیت و استقلال فردی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد. در این جامعه، «صاحبان قدرت» برای جمع و فرد تصمیم می‌گیرند و افراد در تعیین سرنوشت خویش دخالتی نداشته یا کمتر نقش دارند. در جوامع نیمه بسته نیز که هنوز قواعد اصلی یک جامعه سنتی یا بسته بر آن سیطره دارد، اراده افراد تا جایی تأثیرگذار است که با «منشأ قدرت» تعارضی نداشته باشد. در جوامع نیمه بسته افراد و احزاب، هرچند آزادی‌های نسبی دارند اما در چارچوب مصالح و منافع یک قدرت بالاتر یا مقام مافوق قادر به اعمال نظر و اراده اند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۰).

جامعه بسته، از ثبات یا ضریب امنیت بالایی برخوردار است. این امنیت صوری به بهای ناامنی عمومی به دست آمده است. این جامعه در بطن خود همواره مستعد ناامنی است و تعادل در ساخت اجتماعی آن تعادلی ثابت، اما شکننده است. این وضعیت را تعادل ثابت با وضعیت شکننده می‌خوانند که در آن؛ ثبات فاقد انعطاف است. در این جامعه، نوعی ناامنی نهادینه شده وجود دارد که می‌توان آن را «ناامنی قدرگرایانه» خواند.

• ناامنی آنومیک

در جامعه بسته، همبستگی اجتماعی را یک وجدان جمعی نیرومند (یعنی ارزش های مشترک و عام که از سوی نهاد مسلط نیز حمایت و القا می شود) پاس می دارد. ولی در جامعه باز به علت وجود وجدان جمعی سست، فردیت و استقلال و اراده آزاد پدید می آید. در این جامعه نیاز به جایگزینی ارزش های مشترک و عام متناسب با جامعه نوین نیز برای حفظ همبستگی اجتماعی وجود دارد. در جامعه باز، نهادها و خرده نظام ها، روابط پایایی دارند و تعادل نظام اجتماعی برقرار است. ثبات در این جامعه، دیگر حاصل «قدرت» نیست، بلکه حاصل کلیه اجزای نظام اجتماعی است و در نتیجه، پایدارتر است. تعادل ساخت اجتماعی نیز در جامعه باز، تعادلی پویاست. در این جامعه، ثبات و قدرت، سخت و شکننده نیست، بلکه چون حصری انعطاف پذیر با ضربه های وارده فرو رفته، جابجا می شود و دوباره به جای مناسب خود باز می گردد. در صورتی که روابط مناسب میان خرده نظام ها و استقلال در عین همکاری میان نهادها از بین برود و عدم تعادل از حدی که قابل اصلاح است، تجاوز کند، این جامعه در معرض نوعی دیگر از ناامنی است. رشد ناموزون فردیت و محو کامل ارزش های مشترک، از عوارضی است که جامعه باز را تهدید میکند. رشد خودخواهی و سست شدن همبستگی اجتماعی، جامعه را دچار بی هنجاری می کند و «ناامنی آنومیک» پدید می آید.

• ناامنی وضعیت در حال گذار

ناامنی وضعیت در حال گذار به ناامنی آنومیک شباهت دارد. آن دسته از جوامع در حال گذار که از وضعیت بسته عزیزت کرده اند، اما در مرحله مشارکت جویی مانده و رقابتی نشده اند، این نوع ناامنی را تجربه می کنند. گرچه این جوامع از مضار ناامنی قدرگرایانه نیز مصونیت کامل نیافتند.

مشارکت بدون رقابت (رقابت از نوع حزبی و صنفی) به متمایز شدن جامعه و پیدایش جامعه توده وار می انجامد. در نظام مشارکتی و رقابتی، هیچ نهاد سلطه ای وجود ندارد و همه اجزای سیستم، استقلال خود را در عین همکاری حفظ می کنند. در این نظام، فردیت و اراده آزاد افراد در مشارکت تجلی می یابد و در تحزب و رقابت، منافع مشترک، ارزش های مشترک و عام و همبستگی اجتماعی شکل و محتوا می گیرند. تصمیمات و تغییرات از پایین به بالا یعنی از درون اصناف و انجمن ها و احزاب می جوشد و همگان مراقب و نگهبان

یکدیگر نند. بالاترین نرخ ضریب امنیت در این وضعیت وجود دارد. بنابراین پایین ترین ضریب امنیت در جامعه در حال گذار است. در واقع، فاصله میان دو نوع جامعه بسته و باز، گذرگاهی مطلوب اما توقفگاهی خطرناک است. جامعه‌ای که ساختارهای سنتی و اخلاقی و نظام اجتماعی گذشته خویش را ترک گفته و به سوی جامعه‌های مدرن حرکت می‌کند، جامعه در حال گذار است (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۱). در این جامعه، نرخ بزهکاری پنهان، افزون است. قوانین نانوشته حکومت می‌کنند و تسری پذیری اجتماعی، در بالاترین میزان و شدت خود قرار دارد.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با مقوله امنیت و اقسام آن از جمله «امنیت اجتماعی»، «امنیت اقتصادی» و «امنیت فرهنگی» و احساس امنیت تحقیقات بسیاری صورت گرفته است، لیکن پژوهش در مورد امنیت زنان بسیار اندک و با جامعه آماری بسیار محدود صورت گرفته است. در این ارتباط، پژوهش «تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی» توسط نبوی و همکاران (۱۳۸۸) انجام شده است. این تحقیق با هدف بررسی جامعه شناختی احساس امنیت اجتماعی و شناسایی پاره‌ای از عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی انجام گرفته است. این تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، ساکنان ۱۶ سال و بالاتر شهرستان اهواز و حجم نمونه آن ۶۰۰ نفر می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که از مجموع عوامل مطرح شده در تحقیق، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزاینده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی قدرتی، اثر کاهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیر گذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثر گذارند.

همچنین، پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی توسط زهرا آقایی صورت گرفته است. در این تحقیق، برای سنجش احساس امنیت اجتماعی، امنیت اجتماعی در پنج بعد عمومی، قضائی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. در این مطالعه با تحلیل رابطه میزان و کیفیت استفاده

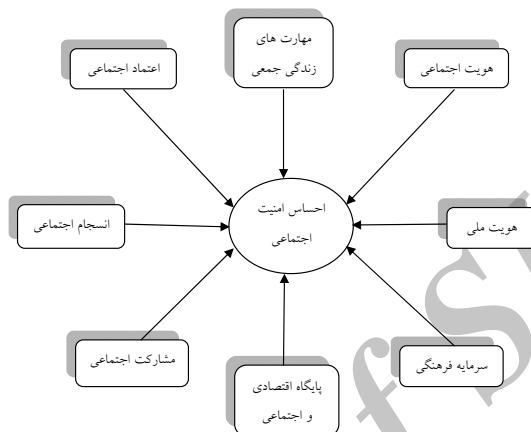
افراد از رسانه‌های جمعی و احساس امنیت اجتماعی از طریق آزمون‌های همبستگی، بین میزان توجه و اعتماد به رسانه‌های داخلی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت با سطح معناداری بالا در سطح اطمینان ۹۵٪ به دست آمده است.

پژوهش «بررسی احساس امنیت زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی» در سال ۱۳۸۸ توسط فیض‌اله نوروزی و سارا فولادی سپهر انجام گردیده است. در این مطالعه، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده با ۳۸۴ نفر از زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران مصاحبه شده است. نتایج آماری آزمون‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای احساس امنیت، محل سکونت و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم و متغیرهای پدرسالاری و خشونت خانگی تأثیر منفی بر احساس امنیت زنان دارند.

علاوه بر آن، پژوهش دیگری با عنوان «بررسی عوامل موثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی همسران شهید در استان اردبیل» توسط رسول عباسی صورت گرفته است. این مطالعه درصدد آن بوده است که وضعیت کمی و کیفی احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی را در جامعه مورد مطالعه (همسران شهید استان اردبیل) مطالعه نموده و عوامل مؤثر بر احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی را با ارائه راهکارهایی تبیین نماید. علاوه بر آن، پژوهشی دیگر تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی» در سال ۱۳۸۷ با هدف بررسی متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت توسط بهرام بیات صورت گرفته است. روش تحقیق در این بررسی از نوع پیمایشی و اطلاعات به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران می‌باشد که تعداد ۷۷۸ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در ۵ منطقه تهران انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. یافته‌های این تحقیق بین متغیرهای جنسیت، منطقه محل سکونت، تأهل و سن، میزان بروز جرایم، انتظار از پلیس، پرداخت رسانه‌ای، هویت، اعتماد، تعلق محله‌ای و کالبد شهری با میزان احساس ناامنی رابطه معنی‌داری را نشان داده است.

مدل و فرضیه های پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و جهت بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی زنان، مدل نظری و تجربی تحقیق به شرح زیر به دست آمده است:



با توجه به اهداف پژوهش و مباحث نظری فوق، فرضیه های تحقیق به شرح ذیل ارایه شده اند:

- بین هویت اجتماعی و ملی زنان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی زنان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی زنان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.
- بین میزان مهارت های زندگی زنان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی^۱ بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده گردیده است. روایی گویه های

طیف در آزمون مقدماتی و نهایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. پس از جمع آوری داده‌های تحقیق و ورود داده‌ها به کامپیوتر با استفاده از برنامه آماری SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

تعریف مفاهیم

در این بخش، تعریف مفاهیم اساسی پژوهش و شیوه‌های سنجش هر یک ارائه گردیده است.

• هویت اجتماعی^۱

هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از: «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروهی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد؛ همراه با اهمیت ارزشی و احساسی وابسته به آن عضویت. از این منظر، می‌توان هویت اجتماعی را نوعی خودشناسی فرد در رابطه با دیگران دانست. این فرآیند مشخص می‌کند که شخص از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۲). در این تحقیق برای سنجش هویت اجتماعی افراد از شش گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. اعتبار و روایی گویه‌های طیف با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($a=0/86$) مورد تأیید قرار گرفته است.

• هویت ملی^۲

هویت ملی نوعی احساس تعلق به ملتی خاص دانست. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب و رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها، به واسطه اشتراک داشتن در برخی عناصر فرهنگی و شبه فرهنگی (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳). در این تحقیق برای سنجش هویت ملی از هفت گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است (نیازی، ۱۳۸۱). اعتبار و روایی گویه‌های طیف ($a=0/79$) مورد تأیید قرار گرفته است.

• مشارکت اجتماعی^۳

وجود شبکه‌های مشارکت به عنوان حوزه‌های تولید کننده سرمایه اجتماعی، بیشترین

1- Social Identity

2- National Identity

3- Community involvement

توجه را در ادبیات نوسازی و توسعه سیاسی به خود معطوف کرده است. به طور کلی، تعدد شبکه‌های مشارکت اجتماعی در هر گروه سازمان یا جامعه‌ای بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن است. لذا هر چه قدر شبکه‌های مشارکت در یک گروه، سازمان یا جامعه‌ای گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی غنی‌تر است (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۳). در این تحقیق متغیر مشارکت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل با استفاده از پنج گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. اعتبار و روایی گویه‌های طیف ($a=0/82$) مورد تأیید قرار گرفته است.

• مهارت‌های زندگی^۱

مهارت‌هایی هستند که برای افزایش توانایی روانی-اجتماعی افراد آموزش داده می‌شوند و فرد را قادر می‌سازند به طور موثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی روبه‌رو شود. هدف از آموزش مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روانی اجتماعی و در نهایت پیشگیری از ایجاد رفتارهای آسیب‌زننده به بهداشت و سلامت و ارتقای سطح سلامت روان افراد است (خنیفرو پورحسینی، ۱۳۸۰: ۱۲). اعتبار و روایی طیف مهارت‌های زندگی در این تحقیق با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ($a=0/78$) تأیید گردیده است.

• احساس امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به صورت توان افراد جامعه برای حفاظت از هویت گروهیشان در مقابل تهدیدات واقعی یا فرضی، تعریف شده است (ویور، ۲۰۰۰: ۵). در این تحقیق احساس امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تحقیق با استفاده از بیست و چهار گویه مربوط در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است اعتبار و روایی طیف با استفاده از آلفای کرونباخ ($a=0/91$) مورد تأیید قرار گرفته است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان در سن فعالیت (۶۴-۱۵ سال) ساکن در منطقه شمال تهران (مناطق ۱ و ۲) و زنان ساکن در منطقه جنوب تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد، که در مرحله

اول بلوک ها در هر منطقه شناسایی شده است، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بلوک ها مشخص گردیده و نهایتاً در مرحله سوم در هر منزل از بین زنان ۶۴-۱۵ آن منزل با روش تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه مورد نظر توسط وی تکمیل گردیده است.

هنگام بررسی و مطالعه این پژوهش تعداد زنان در گروه سنی ۶۴-۱۵ در مناطق یاد شده به استناد سرشماری عموم و نفوس مسکن در سال ۱۳۸۵ به شرح جدول شماره ذیل بوده که با توجه به نرخ رشد ۱/۶ جمعیت تهران سال ۱۳۸۹ برآورد گردید که بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران و به شیوه نمونه گیری تصادفی حجم نمونه انتخاب و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت (لرنی، ۱۳۸۹: ۲۵). جدول شماره ۱ تعداد جمعیت زنان گروه سنی ۶۴-۱۵ مناطق شمال تهران (۲۰۱) و مناطق جنوب تهران (۱۹-۲۰) در سال ۱۳۸۵ و برآورد جمعیت مربوط در سال ۱۳۸۹ و تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران را نشان می دهد.

جدول شماره ۱: جمعیت زنان مناطق ۱، ۲، ۱۹ و ۲۰ شهر تهران در سال ۱۳۸۵ و برآورد جمعیت آن در سال ۱۳۸۹ و حجم نمونه

مناطق	ردیف	تعداد جمعیت در سال ۱۳۸۵	برآورد جمعیت برای ۱۳۸۹ به نرخ ۱/۶ سال ۱۳۸۹	حجم نمونه با خطا ۶٪ درصد	کل نمونه
شمال	منطقه ۱	۱۴۸۷۳۳	۱۶۰۳۶۲	۲۶۶	۵۳۲
	منطقه ۲	۲۳۳۱۷۵	۲۵۱۴۰۷	۲۶۶	
جنوب	منطقه ۱۹	۸۸۲۰۳	۹۵۰۹۹	۲۶۵	۵۳۰
	منطقه ۲۰	۱۲۱۳۱۰	۱۲۹۲۶۲	۲۶۵	
کل نمونه					۱۰۶۲

یافته های پژوهش

الف) مشخصات فردی پاسخگویان

در مطالعه زنان مناطق ۱ و ۲ در شمال تهران، بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۵-۲۱ بوده که ۲۵/۳۷ درصد را به خود اختصاص داده و ۶۰ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۱۵ قرار گرفته اند. همچنین، ۴۳ درصد متأهل و ۵۶ درصد مجرد می باشند. بیشترین فراوانی تحصیلی مربوط به مقطع تحصیلی لیسانس می باشد که ۵۳ درصد را به خود اختصاص داده است. ۸۸ درصد از گروه مورد مطالعه دارای تحصیلات تا پایان مقطع لیسانس بودند. ۸۲ درصد از زنان فاقد اشتغال هستند. همچنین، ۶۸ درصد متولد شهر تهران بوده اند. یافته های مربوط به مشخصات فردی زنان

مورد مطالعه در جنوب شهر تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) نشان می‌دهد ۵۰ درصد آنان دارای سنین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۵۴ درصد از آنان متأهل می‌باشند. ۷۵ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و یا بالای دیپلم می‌باشند. ۳۴ درصد خانه دار و ۱۵ درصد محصل یا دانشجو می‌باشند. همچنین، ۷۸/۲ درصد از زنان گروه مورد مطالعه در جنوب تهران فاقد درآمد هستند.

ب) توصیف یافته‌ها

در این بخش یافته‌های مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق شامل میزان مهارت زندگی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، سرمایه فرهنگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی و همچنین احساس امنیت زنان به عنوان متغیر وابسته تحقیق ارایه گردیده است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصدی میزان هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق به تفکیک زنان مناطق شمال و جنوب تهران

زنان جنوب تهران		زنان شمال تهران		موارد	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۳۷,۹	۲۰۱	۲۳,۹	۱۲۵	کم	مهارت‌های زندگی
۵۸,۵	۳۱۰	۵۱,۸	۲۷۱	متوسط	
۳,۶	۱۹	۲۴,۳	۱۲۷	زیاد	
۱۰۰,۰	۵۳۰	۱۰۰,۰	۵۲۳	جمع	
۲۲,۵	۱۱۷	۲۲,۵	۱۲۵	پایین	هویت اجتماعی
۵۴,۹	۲۸۶	۵۴,۹	۲۷۱	تاحدی	
۲۲,۶	۱۱۸	۲۲,۶	۱۲۷	بالا	
۱۰۰,۰	۵۲۱	۱۰۰,۰	۵۲۳	جمع	
۲۳,۴	۱۰۳	۵۸,۷	۲۵۷	پایین	هویت ملی
۵۵,۰	۲۴۲	۳۳,۶	۱۴۷	تاحدی	
۲۱,۶	۹۵	۷,۸	۳۴	بالا	
۱۰۰,۰	۴۴۰	۱۰۰,۰	۴۳۸	جمع	

۱۷,۲	۹۱	۲۳,۱	۱۲۰	کم	سرمایه فرهنگی
۲۲,۸	۱۲۱	۳۹,۴	۲۰۵	متوسط	
۶۰,۰	۳۱۸	۳۷,۵	۱۹۵	زیاد	
۱۰۰,۰	۵۳۰	۱۰۰,۰	۵۲۰	جمع	
۱۳,۶	۶۰	۲۸,۳	۱۴۸	کم	اعتماد اجتماعی
۴۹,۱	۲۱۶	۵۹,۸	۳۱۳	متوسط	
۳۷,۳	۱۶۴	۱۱,۹	۶۲	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۲۳	جمع	
۱۱,۶	۵۱	۳۳,۶	۱۷۵	کم	مشارکت اجتماعی
۵۴,۳	۲۳۹	۶۰,۸	۳۱۷	متوسط	
۳۴,۱	۱۵۰	۵,۶	۲۹	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۱۲	جمع	
۱۱,۴	۵۰	۲۹,۴	۱۵۴	کم	انسجام اجتماعی
۶۳,۴	۲۷۹	۶۱,۶	۳۲۲	متوسط	
۲۵,۲	۱۱۱	۹	۴۷	زیاد	
۱۰۰	۴۴۰	۱۰۰	۵۲۳	جمع	
۴۵,۳	۲۳۸	۹,۳	۴۶	پایین	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۴۵,۰	۲۳۶	۴۸,۴	۲۳۹	متوسط	
۹,۷	۵۱	۴۲,۳	۲۰۹	بالا	
۱۰۰,۰	۵۲۵	۱۰۰	۴۹۴	جمع	
۳۹,۸	۲۱۱	۲۹	۱۵۴	کم	احساس آمیت اجتماعی
۵۷,۵	۳۰۵	۶۵	۳۴۵	متوسط	
۲,۶	۱۴	۶	۳۲	زیاد	
۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰	۵۳۱	جمع	

همان‌گونه که یافته‌های تحقیق در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میزان مهارت‌های زندگی در حد زیاد در بین زنان شمال تهران به میزان ۲۴/۳ و در بین زنان جنوب تهران ۳/۶ درصد

بوده است. میزان هویت اجتماعی در حد بالا در هر دو گروه ۲۲/۶ درصد می باشد. میزان هویت ملی زیاد زنان شمال تهران ۷/۸ درصد و در بین زنان جنوب تهران به ۲۱/۶ درصد افزایش یافته است. یافته های پژوهش بیانگر این امر است که میزان سرمایه اجتماعی در حد زیاد و هر یک از مؤلفه های آن شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین زنان جنوب تهران در مقایسه با زنان شمال تهران از وضعیت مناسبتری برخوردار می باشد. متقابلاً، زنان مناطق شمال تهران از جنبه های مهارت های زندگی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در وضعیت مناسبتری می باشند.

ج) تجزیه و تحلیل یافته ها

در این بخش ابتدا به مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران پرداخته و پس از آن با استفاده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، میزان تأثیر هر یک از عوامل اجتماعی و فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی زنان مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۱- مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب تهران

در این بخش با استفاده از آزمون t معنی داری تفاوت بین احساس امنیت در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۲: خلاصه محاسبات آزمون t

شاخص گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معنی داری
جنوب	۵۳۰	۵۱/۹۸۸۷	۱۶/۶۲۱۰۹	۹/۳۶۴	۱۰۶۰	۰۰۰
شمال	۵۳۲	۶۱/۲۶۶۹	۱۵/۶۵۴۸۳			

در جدول فوق از آنجایی که t محاسبه شده ($t = ۹/۳۶۴$) از مقدار t بحرانی آلفای ۰/۰۱ بزرگ تر است، لذا با ۹۹ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین امنیت اجتماعی زنان شمال و جنوب تفاوت معنی داری وجود دارد، به طوری که میانگین احساس امنیت زنان شمال بالاتر از زنان جنوب است و فرضیه صفر رد می شود.

۲- رگرسیون چند متغیره

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیره، میزان رابطه هر یک از متغیرهای مستقل با میزان احساس امنیت اجتماعی در بین پاسخگویان نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون مربوط به پیش بینی امنیت اجتماعی بر اساس متغیرهای مستقل

متغیر وابسته : احساس امنیت					پیش بینی کننده‌ها
سطح معنی داری	t	ضرایب	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا	خطای معیار بر آورد	B	
۰/۰۰۰	۱۴/۵۶۶**	-----	۲/۳۱۷	۳۷/۷۵۷	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۰۸۶**	۰/۳۰۹	۰/۱۲۸	۱/۲۸۸	مهارت‌های زندگی
۰/۰۹۸	-۱/۶۵۶	-۰/۰۶۶	۰/۱۲۹	۰/۲۱۳	هویت اجتماعی
۰/۰۲۲	۲/۲۹۷*	۰/۰۹۶	۰/۱۱۳	۰/۲۵۹	هویت ملی
۰/۰۰۱	۳/۴۶۳**	۰/۱۳۱	۰/۱۵۳	۰/۵۳۰	انسجام اجتماعی
۰/۷۰۹	-۰/۳۷۳	-۰/۰۱۴	۰/۱۲۹	-۰/۰۴۸	اعتماد اجتماعی
۰/۹۰۲	۰/۱۲۳	۰/۰۰۵	۰/۱۱۳	۰/۰۱۴	مشارکت اجتماعی
۰/۵۹۰	-۰/۱۲۰	-۰/۰۲۰	۰/۰۳۰	-۰/۰۱۶	سرمایه فرهنگی

$R = ۰/۳۷۷$ و $R^2 = ۰/۱۴۲$ $R^2 = ۰/۱۳۷$ $F = ۲۵/۰۱۳**$ تبدیل شده

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین متغیرهای ۷ گانه تحقیق و احساس امنیت اجتماعی همبستگی معنی دار وجود دارد و حداقل یکی از ضرایب رگرسیون معنی دار است. اطلاعات جدول فوق حاکی از این است که در بین ۷ مؤلفه ضریب بتای مؤلفه مهارت‌های زندگی (۰/۳۰۹) با حاصل t برابر با ۱۰/۰۸۶ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ با اطمینان ۹۹ درصد، ضریب بتای مؤلفه هویت ملی (۰/۰۹۶) با حاصل t برابر با ۲/۲۹۷ و سطح معنی داری ۰/۰۲۲ با اطمینان ۹۵ درصد، مؤلفه انسجام اجتماعی (۰/۱۳۱) با حاصل t برابر با ۳/۴۶۳ و سطح معنی داری ۰/۰۰۱ با اطمینان ۹۹ درصد معنی دار هستند و می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به علامت ضرایب بتای به دست آمده که مثبت هستند می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش مؤلفه‌های مهارت زندگی، هویت ملی، انسجام اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی در بین

۳- تحلیل مسیر

تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اثرات غیر مستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند. تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و بر اساس فرض ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. این روش بر استفاده ابتکاری از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است تأکید خاص دارد (کلانتری، ۱۳۸۷: ۲۲۳ و ۲۲۴). به عبارت دیگر برای بیان چگونگی آرایش متغیرها در مدل و بیان اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای وارد شده در مدل بر روی متغیر وابسته تحقیق از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد (نیازی، ۱۳۸۱: ۱۳۵ و ۱۳۶).

جدول شماره ۴: محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان منطقه شمال تهران

کل	ضرایب اثر		نام متغیر
	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
۰/۲۳۸	-	۰/۲۳۸	مهارت‌های زندگی
۰/۲۹	۰/۰۱۶	۰/۲۷۴	سرمایه اجتماعی
۰/۰۵۰	-	۰/۰۵۰	هویت اجتماعی
۰/۰۸۱	-	۰/۰۸۱	هویت ملی
۰/۱۷۲	۰/۰۳۴	۰/۱۳۸	دینداری
۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	پایگاه اقتصادی و اجتماعی

جدول فوق نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل به لحاظ اثرگذاری بر متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبت دارند. تأثیر هر متغیر نیز به صورت اثر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته می‌باشد. در اثرگذاری کل، متغیر سرمایه اجتماعی دارای بیشترین اثر بر احساس امنیت پاسخگویان است (۰/۲۹)، به طوری که این متغیر دارای ۲۷ درصد اثر مستقیم و ۰/۰۱۶ اثر غیر مستقیم است. متغیر مهارت‌های زندگی دارای رتبه دوم با ۲۳ درصد تأثیر کل، دینداری با ۱۷ درصد اثرگذاری کل، هویت ملی با ۰/۰۸۱، هویت اجتماعی با ۰/۰۵۰ و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با ۰/۰۱۲ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

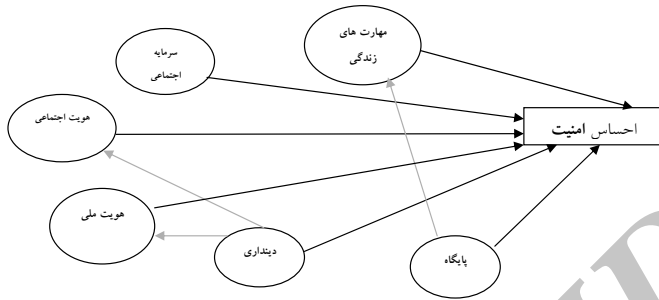
در راستای تحلیل متغیرها میتوان گفت که هر چه مهارت های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، هویت اجتماعی، هویت ملی و دینداری پاسخگویان بیشتر شود، امکان افزایش امنیت اجتماعی آنان نیز بیشتر خواهد بود. لازم به توضیح است که میزان ضریب تبیینی مدل فوق برابر با ($R^2=0/183$) میباشد.

جدول شماره ۵: محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر احساس امنیت پاسخگویان منطقه جنوب تهران

کل	ضرایب اثر		نام متغیر
	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
۰/۲۴۵	-	۰/۲۴۵	مهارت های زندگی
۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	سرمایه اجتماعی
۰/۰۷۱	-	۰/۰۷۱	هویت اجتماعی
۰/۰۳۱	-	۰/۰۳۱	هویت ملی
۰/۰۷۲	۰/۰۱۵	۰/۰۵۷	دینداری
۰/۰۵۷	۰/۰۰۸۵	۰/۰۴۹	پایگاه اقتصادی و اجتماعی

جدول فوق نشان می دهد که کلیه متغیرها به لحاظ اثر گذاری بر متغیر احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبت دارند. تأثیر هر متغیر نیز به صورت اثر مستقیم و غیر مستقیم بر متغیر وابسته می باشد. در اثر گذاری کل، متغیر مهارت های زندگی دارای بیشترین اثر بر احساس امنیت پاسخگویان است (۰/۲۴)، متغیر دینداری دارای رتبه دوم با ۷ درصد تأثیر کل می باشد. همچنین، هویت اجتماعی با ۰/۰۷۱ اثر گذاری کل، هویت ملی با ۰/۰۳۱، پایگاه اقتصادی و اجتماعی با ۰/۰۵۷ و سرمایه اجتماعی با ۰/۰۰۵ در رتبه های بعدی قرار می گیرند. در راستای تحلیل متغیرها میتوان گفت که هر چه مهارت های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، هویت اجتماعی، هویت ملی و دینداری پاسخگویان بیشتر شود، امکان افزایش امنیت آنان نیز بیشتر خواهد بود.

نمودار شماره ۱: دیاگرام تحلیل مسیر منطقه جنوب تهران



همان گونه که نمودار فوق نشان می دهد، احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای دیگر در سمت راست نمودار، متغیرهای مستقل می باشند. تحلیل مسیر فوق، نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، جهت و شدت آن ها را تعیین میکند. لازم به توضیح است که میزان ضریب تبیینی مدل فوق برابر با ($R^2=0/071$) می باشد.

نتیجه گیری

با مروری بر تاریخ زندگی انسان و جوامع انسانی در می یابیم که امنیت همواره به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی بشر مطرح بوده است. در واقع، امنیت از ضروری ترین نیازهای انسان محسوب گردیده و بدون آن زندگی اجتماعی مختل می گردد. در این میان، احساس امنیت و برخورداری از آسودگی و آرامش و دوری از تشویش خاطر، نقش اساسی در کاهش و افزایش امنیت در جامعه ایفا می کند. با توجه به اهمیت و پیچیدگی پدیده امنیت اجتماعی، بسیاری از عناصر و مؤلفه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در امنیت اجتماعی مؤثر بوده و متقابلاً از آن تأثیر می پذیرند.

در این پژوهش به مطالعه تطبیقی میزان احساس امنیت در بین زنان مناطق جنوب و شمال تهران پرداخته شده است. در این ارتباط، هر یک از عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر امنیت اجتماعی شامل مهارت های زندگی، هویت اجتماعی، هویت ملی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده زنان در دو منطقه شمال و جنوب تهران مورد بررسی قرار گرفته و اثرات آن بر متغیر امنیت

اجتماعی سنجیده شده است.

با مقایسه وضعیت متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی فوق در بین زنان مناطق یاد شده، این نکته مشخص میگردد که زنان مناطق شمال از جنبه میزان مهارت های زندگی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و نیز احساس امنیت اجتماعی نسبت به زنان جنوب تهران در ابعاد هویت ملی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مقایسه با زنان شمال تهران نمرات بالاتری را احراز نمودند. مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران و نتایج آزمون t محاسبه شده تفاوت معنی دار میزان امنیت اجتماعی در بین زنان دو منطقه فوق را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است.

یافته های پژوهش و نتایج تحلیل های آماری مربوطه که با استفاده از رگرسیون چند متغیره صورت گرفته است بیانگر رابطه معنی دار هر یک از متغیرهای مهارت های زندگی (۰/۳۰۹) هویت ملی (۰/۰۹۶) و انسجام اجتماعی (۰/۱۳۱) با متغیر احساس امنیت اجتماعی می باشد. همچنین، نتایج بررسی آماری تحلیل مسیر در ارتباط با محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم، متغیرهای مستقیم بر احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان نشان می دهد متغیرهای سرمایه اجتماعی (۲۹ درصد)، مهارت های زندگی (۲۳ درصد)، هویت ملی (۸/۱ درصد)، دینداری (۱۷ درصد)، هویت اجتماعی (۵ درصد) به ترتیب اولویت، احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق شمال تهران را تبیین نموده اند. همچنین، در مناطق جنوب تهران هر یک از عوامل مهارت های زندگی (۲۴ درصد)، هویت اجتماعی (۷/۱ درصد)، دینداری (۷ درصد) به ترتیب با احساس امنیت زنان همبستگی داشته اند.

نتایج این مطالعه نشان می دهد با ارتقاء و افزایش هر یک از متغیرهای مهارت های زندگی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی و اجتماعی و دینداری، انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی شاهد افزایش احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق مورد بررسی می باشیم.

با توجه به نقش اساسی هر یک از متغیرهای مورد بررسی، لازم است برنامه ریزی های اصولی در جهت ارتقاء هر یک از موارد زیر جهت افزایش احساس امنیت اجتماعی صورت گیرد:

با توجه به نقش مهم مهارت های زندگی در افزایش توانایی های افراد به ویژه توانمند سازی زنان در مقابله با کاستی ها و ناامنی های احتمالی، لازم است برنامه های آموزش مهارت های

زندگی به ویژه برای زنان مناطق جنوب تهران به مورد اجرا گذاشته شود.

با توجه به اهمیت بحث مشارکتهای مردمی و نقش مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی در توانمند سازی زنان، ضروری است نهادها، برنامه ها و فعالیت های مشارکتی جهت نهادینه سازی مشارکت اجتماعی و حضور فعال و مؤثر زنان در عرصه های اجتماعی پیش بینی و اجرا گردد. در این ارتباط، لازم است جهت ارتقاء میزان اعتماد، انسجام، مشارکت و سرمایه اجتماعی و نیز هویت ملی زنان مناطق شمال شهر تهران برنامه ریزی و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی لازم در این ارتباط به مورد اجرا گذارده شود.

Archive of SID

منابع

- ۱- امانت، حمیدرضا (۱۳۸۶)، امنیت اجتماعی، «فصلنامه راهبرد»، شماره چهارم و پنجم، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۲- باقی، عمادالدین (۱۳۷۶) ضریب امنیت، «نشریه امنیت»، سال اول - شماره سوم وزارت کشور
- ۳- بصیری، محمد علی (۱۳۸۰)، تحولات مفهوم امنیت ملی، «فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی»، تهران، سال پانزدهم شماره هفتم و هشتم
- ۴- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۵- بیات، بهرام (۱۳۸۷)، تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، «فصلنامه مطالعات امنیت ناچا»، تهران
- ۶- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «انتظام در پراکنده امنیت ملی ایران»، اندیشه نو، پیش شماره اول
- ۷- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه
- ۸- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناچا، چاپ اول
- ۹- خوش فرو، غلامرضا (۱۳۸۲)، «امنیت و جامعه مدنی»، «نشریه امنیت»، سال چهارم، شماره سیزدهم و چهاردهم، تهران: وزارت کشور
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا
- ۱۱- ربیعی، علی (۱۳۸۳)، «مطالعات امنیت ملی»، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- ۱۲- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، «امنیت ملی و نظام بین‌المللی»، تهران: انتشارات سمت
- ۱۳- عمید، حسن (۱۳۵۹)، فرهنگ عمید، تهران، نشر امیرکبیر
- ۱۴- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۷)، «نشریه امنیت عمومی»، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۵، وزارت کشور
- ۱۵- کرامتی، مهدی (۱۳۸۵)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان کشور، «فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی»، سال دوم، شماره ششم و هفتم
- ۱۶- کلاتری، خلیل (۱۳۸۷)، «پردازش و تحلیل دادهها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی»، تهران، فرهنگ صبا
- ۱۷- کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- ۱۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «تجدد و تشخص»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
- ۱۹- لرنی، منوچهر (۱۳۸۲)، «امنیت ملی و دفاع از ارزشها»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناچا
- ۲۰- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی امنیت»، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام پویا

۲۱- لرنی منوچهر (۱۳۸۹)، «جزوه درس روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

رودهن

۲۲- معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران، معین

۲۳- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی

۲۴- نبوی، عبدالحسین؛ حسینزاده، علی حسین؛ حسینی، هاجر (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-

اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، «فصلنامه دانش انتظامی»، سال دهم، شماره دوم

۲۵- نوروزی، فیض الله، فولادی سپهر، سارا (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله

شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، «فصلنامه راهبرد»، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک

۲۶- نیازی، محسن (۱۳۸۱)، تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان، «پایان نامه دکتری»،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

27- Andrew Christopher (1998), Her Majesties Secret Service: The Making of the British intelligence Community, New York: Viking.

28- Ayoob, Mohammad (1991), "The security problematic of the third world: A Review Article, " World Politics 43: 2,57-83

29- Both, Ken (1991), "Security and emancipation", Review of Internation Studies. 17 (4), P324.

30- Haffman, Stanly (1981), "security in the Age of Turbulence. Means of response in third world conflict and internation security" Adelpers. No. 167.

31- Hanntington, s and Nelson, J, M (1976), No Easy choice: Political Participation in Developing countries, countries, Cambridge, Harvard University Press.

32- Job, Brian L (2001), " The insecurity dilemma: national, rejime, and state securities in the third world" in Job, The Insecurity Dilemma, op. cit, p. 15.

33- Oxford advanced learners Dictionary of current English, oxford univer-sity press, Edited by sally wehmrire (2000)

34- Roe. Paul (1999). "The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.

35- Weavers, Ole (1995), "Securitisation and desecuritisation" in Ronnie D. Lipschutz (Ed). On Security, New York: Colombia University Press.

36- Wearver, ole (2000), societalsecurity: [http:// www.ciaonet.org/book/hall/hall01.html](http://www.ciaonet.org/book/hall/hall01.html)

37- Wolfers, C. A. (1962) Discord and Collaboration (Baltimore: John Hopkins University Press), p.150

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی



۲۶

فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی

Archive of SID